

سخن عضو هیأت تحریریه: چرا دانش مخاطرات؟

(ضرورت پرداختن به مخاطرات انسانی؛ بیکاری)

دکتر سیدحسن مطیعی لنگرودی

استاد دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران (Email: shmotiee@ut.ac.ir)

در مباحث مربوط به مخاطرات محیطی، بیشتر پژوهش‌ها و تحقیقات در زمینه مخاطرات طبیعی نظیر سیل، زلزله، توفان و خشکسالی است و به مخاطرات انسانی کمتر توجه می‌شود. در اغلب موارد بحث بر سر این است که به هنگام وقوع زلزله در تهران چه باید کرد. شاید بسیاری از مردم چنین مواردی را در زمره مخاطرات پیش روی ساکنان هر منطقه می‌دانند، درحالی که امروزه بسیاری از نواحی شهری با مخاطرات شدیدتری مواجه‌اند که بسیاری از ساکنان آن نواحی را درگیر خود کرده و مشکلات آن بسیار شدیدتر از پیامدهای زلزله و سیل است. آیا می‌توان کشتار و نسل‌کشی مذهبیون افراطی در میانمار را با وقوع سیل در یک ناحیه مقایسه کرد؟

بیکاری، اعتیاد به مواد مخدر، روسپیگری و پولشویی سبب شده که در بسیاری از موارد علاوه بر فرد درگیر، سایر اعضای خانواده نیز با بحران شدید و ناامیدی مواجه شوند. اگر در سیل کن در غرب تهران، حدود چند نفر و همین تعداد خانواده با مشکل مواجه شدند (البته باید برای جلوگیری از چنین مشکلاتی نیز برنامه‌ریزی کرد)، آیا می‌توان این مشکل را با بیکاری و اعتیاد میلیون‌ها نفر در تهران قابل قیاس دانست؟ مشکلی که فقط مربوط به جوانان بیکار یا معتادان نیست و هر یک از این افراد، یک یا چند خانواده را درگیر مشکلات خود کرده است. از این رو باید در کنار توجه به مخاطرات طبیعی، به مخاطرات انسانی همچون بیکاری، اعتیاد و ... نیز توجه شود، زیرا مشکلات مخاطرات انسانی ریشه در عمق خانواده‌ها دارد.

مخاطرات اعم از انسانی یا طبیعی ممکن است در یک فرایند زمانی منظم (پی‌درپی) یا نامنظم روی دهد. مقابله با مخاطرات منظم آسان است، ولی چگونه می‌توان با مخاطرات نامنظم مقابله کرد و آنها را کنترل کرد یا از بین برد. مطلب دیگر درباره فضای مخاطره‌هاست؛ زلزله، آتشفشان، سیل، توفان و ... ممکن است بخش محدودی را تحت تأثیر قرار دهند؛ حتی مخاطرات انسانی ممکن است در سطح محلی مشاهده شوند یا دامنه محدودی داشته باشند؛ اما بعضی مخاطرات ممکن است فراتر از مقیاس محلی، یعنی در مقیاس ملی یا منطقه‌ای تأثیرگذار باشند. با افزایش دامنه فضایی مخاطره، بحران آن نیز بزرگ‌تر می‌شود. مخاطراتی مثل بیکاری،

فقر اقتصادی و ایدز را شایع‌ترین مخاطرات فضایی باید دانست؛ بنابراین از جمله موضوعات مهم توجه به فضای مخاطرات است [۳].

در لغت‌شناسی وقتی از خطر بحث می‌شود، منظور شرایط نامطلوبی است که حیات در آن وضعیت، دچار اختلال می‌شود و ادامه زندگی منوط به برطرف کردن یا کاهش آثار آن خطر است. در مواردی خطر به لحاظ پدیده‌های طبیعی و در مواردی دیگر به لحاظ مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بروز می‌یابد که در عصر کنونی این مخاطرات مشکل‌آفرین‌ترند؛ از این‌رو مخاطرات به دو دسته طبیعی و انسانی تقسیم می‌شوند. از جمله مخاطرات انسانی می‌توان به گرسنگی طولانی، قحطی، اعتیاد به مواد مخدر و الکل و سیگار، بیماری‌های مسری، جنگ و نسل‌کشی، پناهندگی‌های اجباری، حملات تروریستی، تورم‌های شدید برای جمعیت کم‌درآمد، حوادث غیرمترقبه و ... اشاره کرد

بیکاری که از مهم‌ترین مخاطرات انسانی است با دیگر مؤلفه‌های سیاسی و امنیتی، ارتباط انکارناپذیری دارد و ممکن است آثار زیانبار سیاسی و امنیتی داشته باشد و موجب تغییرات اساسی در صحنه سیاسی کشورها شود. بیکاری عامل اصلی معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی است و حل آن بسیاری از مشکلات اجتماعی، روان و اقتصادی جامعه را برطرف می‌کند. بیکاری از بزرگ‌ترین معضلاتی است که توازن و تعادل جامعه را به هم می‌زند و سبب ایجاد بحران‌های متعدد در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، روانی و سیاسی می‌شود.

نخستین تأثیر بیکاری، کاهش درآمد است و کاهش درآمد نه تنها یک فرد و یک خانواده، بلکه کل جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از دست رفتن فرصت پیشرفت اقتصادی، احساس خلأ در جامعه، حذف چرخه تولید و وابستگی به تولیدات خارجی به دلیل کاهش تولیدات داخلی، از دیگر تبعات بیکاری در ابعاد اقتصادی است [۸]. زمانی که فردی کاری نمی‌کند، احساس نشاط و شادابی نیز نخواهد داشت. در واقع، فعالیت‌های شغلی، پاسخ به نیازهای اجتماعی، اقتصادی و روانی فرد است و بیکاری از تمام جهات فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

با نگاهی سیاسی و امنیتی به پدیده بیکاری، می‌توان بیکاران را لشکر ذخیره اغتشاش دانست. بیکاری با دیگر مؤلفه‌های سیاسی و امنیتی ارتباط انکارناپذیری دارد و ممکن است پیامدهای زیانبار سیاسی و امنیتی داشته باشد و موجب تغییرات اساسی در صحنه سیاسی کشورها شود؛ بنابراین بیکاری عامل اصلی معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی است و حل آن بسیاری از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و روانی جامعه را برطرف می‌کند.

بیکاری به‌عنوان یک پدیده مخرب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مطرح بوده و رفع آن همواره از دغدغه‌های برنامه‌ریزان بوده است [۱۲]. اشتغال و بیکاری از جمله موضوعات مهم اقتصادی هر

کشور است، به گونه‌ای که افزایش اشتغال و کاهش بیکاری، از شاخص‌های توسعه‌یافتگی جوامع تلقی می‌شود. البته بسیاری از محققان با زمینه‌ها و سوابق آموزشی مختلف، سرانجام در واکنش مناسب به این تفکر که مفهوم بیکاری را در حد بُعد اقتصادی آن پایین می‌آورد، توجه همگان را به این مسئله جلب کرده‌اند که باید بُعد اقتصادی بیکاری با مجموعه‌ای از مفاهیمی که به همین اندازه اهمیت دارند، از قبیل جامعه‌پذیری، مشارکت، شخصیت و غیره همراه شود تا هم در تحلیل‌های علمی و هم در برنامه‌ریزی، همه ابعاد اجتماعی-فرهنگی کار در نظر گرفته شود [۱]. بیکاری را گاهی علاوه بر پدیده‌ای اقتصادی، یکی از معضلات اجتماعی نیز قلمداد می‌کنند؛ به این لحاظ، فرد بیکار چون خود را سبب هیچ فایده و انگیزه‌ای نمی‌داند، دارای انرژی برای تخریب و کنش‌های نامعقول در جامعه است [۱۳]. از دست دادن شغل، به معنای پایین آمدن سطح زندگی، از دست دادن اعتماد به نفس و ایجاد فشارهای روانی در فرد بیکار است.

بیکاری، پیامدها و مشکلات دیگری چون فقر، ناامنی ملی و ناهنجاری‌های روانی، خرابکاری و بزهکاری و روسپیگری، مهاجرت، قاچاق مواد مخدر، طلاق و ... را در پی دارد. با آنکه گستره مشکلات اجتماعی بیکاری چون فقر، اعتیاد، روسپیگری، خشونت و ... در هر جامعه‌ای نگران‌کننده است، ضرورت بررسی‌های علمی بیکاری و ارائه راهکارهای کاهش بیکاری، برای برون‌رفت از مهم‌ترین مخاطرات محیطی و انسانی، از اهمیت بسیار برخوردار است که از طریق مخاطره‌شناسی یعنی یافتن راهی برای دور کردن فرد، جامعه و محیط طبیعی از خطر تحقق‌پذیر است. مخاطره ممکن است وضعیت بالفعل یا بالقوه‌ای داشته باشد که وضعیت بالقوه برای آینده، تهدید محسوب می‌شود [۱۶].

کار عبارت است از بهره‌گیری انسان از نیروهای مادی و معنوی خود در راه تولید ثروت یا ایجاد خدمات (۵: ۲۵). در علم اقتصاد، بیکار به کسی گفته می‌شود که در سن کار (۱۵ تا ۶۵ سالگی)، جویای کار باشد، ولی شغل یا منبع درآمدی پیدا نکند. از نظر مرکز آمار ایران بیکار به کسی گفته می‌شود که بیش از ۱۰ سال داشته و در هفته قبل از آمارگیری بدون کار باشد. تمامی کشورها در پی کاهش نرخ بیکاری هستند. نرخ بیکاری طبیعی، نرخ است که یک سیستم اقتصادی پویا با یک تعادل عمومی و تضمینی به صورت ساختار تصادفی به سمت آن نرخ همگرا می‌شود. این نرخ می‌تواند بازارهای کالا و کار را با ساختار و متغیرهای حقیقی به تعادل برساند. بیکاری نتیجه کاهش در سرمایه‌گذاری است [۶]. کینز اقتصاددان انگلیسی، نقش دولت در زمینه اشتغال را چنین بیان می‌کند: نقش دولت در افزایش سطح اشتغال از طریق افزایش مستقیم هزینه‌های دولت یا براساس سیاست‌های آن که به‌طور غیرمستقیم سرمایه‌گذاری خصوصی را تشویق می‌کند، صورت می‌گیرد [۲].

نتایج یک تحقیق در ایران نشان می‌دهد که بین بی‌ثباتی شغلی، به‌ویژه بیکاری و رضایت زناشویی و زندگی خانوادگی رابطه قوی وجود دارد [۱۰]. افراد بیکار، تفاهم، ارتباط و نظم کمتری در روابط خانوادگی دارند. علاوه بر این، شوهران بیکار در مقایسه با مردان دارای شغل ثابت، کمتر توسط همسران خود حمایت می‌شوند و انسجام خانوادگی کمتری دارند.

در سال‌های اخیر، بیکاری سبب شده که نیروی فعال و بیکار روستاها راهی شهرها شوند؛ اقتصاد ایران به‌شکل بحرانی دچار این معضل است. با ورود این گروه از مهاجران، مشکلات شهرها افزایش یافته و علاوه بر معضل بیکاری، موارد دیگری چون حاشیه‌نشینی، فساد، ترافیک، بزهکاری و ... مشکلات شهرها را با رشد تصاعدی مواجه کرده است [۹].

رشد جمعیت، ناتوانی بخش‌های دولتی در جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، کم بودن نرخ سرمایه‌گذاری و نبود تناسب در توزیع امکانات در مناطق مختلف کشور، بیکاری پنهان، انتخاب روش‌های سرمایه‌بر به‌جای کاربر، بی‌توجهی به فعالیت‌های مؤثر در اشتغال‌زایی چون گردشگری، ناتوانی در کارآفرینی و خوداشتغالی، از موارد مؤثر بر افزایش بیکاری در ایران هستند [۴، ۷، ۱۱]. بیکاری در طولانی‌مدت، علاوه بر ایجاد فقر اقتصادی و فرهنگی، تأثیر بسیار مخربی بر روحیه شخص بیکار و آثار مخرب دیگری بر خانواده فرد بیکار و جامعه می‌گذارد. می‌توان گفت که بیکاری و فقر، از جمله عوامل بسیار تأثیرگذار در پیدایش جرم و ارتکاب آن است. برای کسانی که به داشتن مشاغل ثابت و مطمئن خو گرفته‌اند، تجربه بیکاری ممکن است بسیار ویرانگر باشد، زیرا فوری‌ترین پیامد بیکاری، از دست رفتن درآمد است [۱۴]. مشکلات فقر، منحصر به پیامدهای اقتصادی نیست؛ پیامدهای این مسئله اجتماعی، زمانی شدت پیدا می‌کند که بستر ساز انحرافات می‌شود. بنابراین بیکاری و ضعف توان تولیدی سرزمین، عامل شکل‌گیری انحرافات در فضای جغرافیایی است. کارکرد واقعی فضاهای جغرافیایی به‌هنگامی عملی می‌شود که توان‌های آن فضاها شناخته شده و بر مبنای یک برنامه‌ریزی منطقی به‌کار گرفته شود. این توان‌ها را از یک‌سو توان‌های طبیعی حاکم بر مکان، و از سوی دیگر توان‌هایی که در سایه کارکرد انسانی، قدرت تولیدی خاص خود را در فضاهای جغرافیایی به‌وجود می‌آورد، تشکیل می‌دهند [۱۵]. به این لحاظ مهم‌ترین عامل توسعه فضایی، کار و اشتغال نیروی انسانی هر سرزمین است. انسان‌ها با کار و تلاش خود سیمایی پویا به فضای جغرافیایی می‌دهند و برعکس آن، بیکاری عامل ایستایی فضای جغرافیایی می‌شود.

منابع

- [۱]. ارگاس فوروندا، اسکار (۱۳۸۰). *علوم اجتماعی و مشکل بیکاری جوانان در جهان*. ترجمه سازمان ملی جوانان. تهران: روناس.
- [۲]. استوارت، مایکل (۱۳۴۹). کینز. ترجمه هوشنگ نهانندی. نشر دانشگاه شیراز.
- [۳]. اسمیت، کیت (۱۳۸۲). *مخاطرات محیطی*. ترجمه ابراهیم مقیمی و شاپور گودرزی-نژاد. تهران: سمت.
- [۴]. اکبری-پور، صفدر (۱۳۸۳). «نگاهی به وضعیت اشتغال و بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی». *ماهنامه کار و جامعه*. ش ۵۳.
- [۵]. امیک، رونالد (۱۳۵۸). *پژوهشی در نظرسنجی ارزش کار*. ترجمه محمد سوداگر. تهران: پازند.
- [۶]. سپهر، جعفر (۱۳۴۵). *بیکاری*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۷]. شاه‌حسینی، علی (۱۳۸۶). *کارآفرینی*. نشر آبیژ.
- [۸]. شریفی، نورالدین (۱۳۹۰). «اثرات مالیات غیرمستقیم و مخارج دولت بر اشتغال و تورم». یک تحلیل داده-ستانده. *فصلنامه تحقیقات اقتصادی*. ش ۹۵.
- [۹]. صیدایی، سید اسکندر؛ بهاری، عیسی؛ زراعی، امیر (۱۳۹۰). «بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۳۵». *فصلنامه راهبرد یاس*. ش ۲۵.
- [۱۰]. عیسی‌زاده، سعید؛ بلالی، اسماعیل؛ قدوسی، علی‌محمد (۱۳۸۶). «بررسی ارتباط بیکاری و طلاق در ایران طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۴۵». *نشریه مطالعات راهبردی زنان*. ش ۵۰.
- [۱۱]. قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۱). «علل و عوامل بیکاری». *ماهنامه کار و جامعه*. ش ۴۳.
- [۱۲]. کرباسی، علی‌رضا و همکاران (۱۳۸۷). «پیش‌بینی اشتغال بخش کشاورزی در ایران». *مجله اقتصاد در توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)*. جلد ۲۲. ش ۲.
- [۱۳]. کیانمهر، محمدولی (۱۳۸۵). «بررسی آثار بیکاری با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی». *ماهنامه تعاون*. ش ۱۸۳.
- [۱۴]. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی*. ترجمه حسن چاووشیان. تهران: نشر نی.
- [۱۵]. مطیعی لنگرودی، سیدحسن (۱۳۹۶). *جغرافیای اقتصادی ایران*. چ چهارم. انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- [۱۶]. مقیمی، ابراهیم (۱۳۹۳). «چرا دانش مخاطرات (تعریف و ضرورت)». *مجله دانش مخاطرات سابق (مدیریت مخاطرات محیطی)*. دوره یکم. ش ۱.